درباره قیصر امین پور

- قیصر امین پور شاعر، ادیب و فارسی پژوه متولد ۱۳۳۸، کتوند خوزستان
- ترک تحصیل از رشته دامپزشکی دانشگاه تهران ۱۳۵۷
- ترک تحصیل از رشته علوم اجتماعی دانشگاه تهران ۱۳۶۲
- اخذ دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران با راهنمایی دکتر شفیعی کدکنی ۱۳۷۱
- تدریس در دانشگاه الزهرا ۷۰- ۱۳۶۷
- تدریس در دانشگاه تهران ۱۳۷۰ تاکنون
- دبیر شعر هفته نامه سروش ۷۱- ۶۰
- سردبیر ماهنامه ادبی - هنری سروش نوجوان ۸۲- ۷۷
- عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی
- برخی از آثار او عبارتند از: ظهر روز دهم (برنده جایزه جشنواره کتاب کانون پرورش فکری)
به قول پرستو (برنده جایزه جشنواره کتاب کانون پرورش فکری) تنفس صبح، در کوچه آفتاب، منظومه روز دهم، توفان در پرانتز بی بال پرید، گلها همه آفتاب کردآنند و...
- برنده تندیس مرغ آمین ۱۳۶۸
- برنده تندیس ماه طلایی (برگزیده شعر کودک و نوجوان ۲۰ سال انقلاب)

اگر بخواهیم شعری از جنگ بگوییم حتماً سرآمد شاعران آن، قیصر امین پور به یادمان خواهد آمد همانکه روزگاری برای من و همنسلانم سروده بود:

می خواستم شعری برای جنگ بگویم
دیدم نمی شود
دیگر قلم زبان دلم نیست.
گفت:
باید زمین گذاشت قلم ها را
دیگر سلاح سرد سخن کار ساز نیست
باید برای جنگ
از لوله تفنگ بخوانم
با واژه فشنگ

قیصر امین پور در آستانه دهه پنجم عمرش اما دیگر به دنبال واژه و فشنگ نیست. چه مدتهاست که زادگاه و سرزمین مادری اش به دور از «وضعیت خطر» و «آژیر قرمز» نفس می کشد. با این همه گویی غبار آن سالهای نه چندان همچنان بر چهره شاعر «خانه های خونین» و «عروسک خون آلود» تازه مانده که گاه به گاه به یاد آن ایام داغ ولی تازه می کند. گر چه «این حرمهای داغ دلش را دیوار هم توان شنیدن نداشته است.» از همین روست شاید که امین پور لحظه های کاغذی اش را می سراید و می گوید:

خسته ام از آرزوها، آرزوهای شعاری
شوق پرواز مجازی، بال های استعاری
لحظه های کاغذی را روز و شب تکرار کردن
خاطرات بایگانی، زندگی های اداری
آفتاب زرد وغمگین، پله های رو به پایین
سقف های سرد و سنگین، آسمان های اجاری
عصر جدول های خالی، پارک های این حوالی
پرسه های بی خیالی، نیمکت های خماری
رونوشت روزها را روی هم سنجاق کردم:
شنبه های بی پناهی، جمعه های بی قراری
عاقبت پرونده ام را با غبار آرزوها
خاک خواهد بست روزی، باد خواهد برد باری
روی میز خالی من، صفحه باز حوادث
درستون تسلیت ها، نامی از مایادگاری

قیصر امین پور، چنانچه از شعرهایش می آید، جنوبی است و اهل «گتوند»، منطقه ای در محدوده دزفول. به همین خاطر هست که جنگ را می توان در اشعار روزگار جوانی اش به دیده ذهن دید و پریشان شد و بارید. او که در سال ۱۳۳۸ متولد شده، تا سال ۱۳۵۷ در همان منطقه به تحصیل پرداخت و در این سال بود که برای ادامه تحصیلات و ورود به دانشگاه تهران عزیمت کرد.

امین پور جوان در بدو ورودش به تهران و آغاز تحصیلات دانشگاهی جذب حوزه هنری آن سالها می شود و آشنایی اش با شاعران جوانی که در حوزه هنری گردآمده بودند او را به حضور در جمع آنان کشاند و باعث شد تا او تحت تأثیر یاران هم سلک و هم رامش و به اشتیاق شاعرانگی هایش رشته تحصیلی اش را از علوم اجتماعی به ادبیات تغییر دهد.

او در سال ۱۳۶۶ به همراه دوستان نویسنده و شاعرش، بیوک ملکی و فریدون عموزاده خلیلی، نشریه سروش نوجوان را طراحی و منتشر کرد که تا چندی پیش هم انتشار این مجله و مسؤولیت قیصر امین پور در سمت سردبیری ادامه داشت.

از سال ۱۳۶۷ امین پور تدریس در دانشگاه الزهرا را آغاز کرد و دبیری بخش ادبیات فصلنامه هنر و مسؤولیت در دفتر شعر جوان را به کارهای خود ضمیمه کرد که تاکنون ادامه دارد. امین پور در سال ۱۳۷۶ با دفاع از رساله خود با عنوان «سنت و نو آوری در شعر معاصر» که با راهنمایی دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی به سامان رسیده بود موفق به اخذ مدرک دکتری ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد و بعدها این پایان نامه در شمارگان بالایی به چاپ رسید.

قیصر امین پور درباره این اثر می گوید: « پیشنهاد بررسی درباره این موضوع از طرف استاد ارجمند دکتر شفیعی کدکنی بود و من از میان موضوعات مختلف، این موضوع را به ضرورت بحث سنت و نوآوری، برای پایان نامه دکتری برگزیدم.»(۱)

او می گوید: «دشواری کار آنجا بود که چون من به نسلی آرمانگرا تعلق دارم و کار ادبی و خلاق را برای خود انجام می دهم، شعری که دلم می خواهد می نویسم و هیچ کس هم در آن دخالت ندارد، فکر کردم در کار تحقیقی هم می شود، این گونه بود؛ اما چنین نبود.»(۲)

او ادامه می دهد: « به هر حال من، آدمی دوزیست بودم. هم در مطبوعات هستم و هم در دانشگاه. دانشگاه از من توقعی داشت و لابد انتظار داشت از چشم انداز سنت، نوآوری را بررسی کنم و دوستان مطبوعات بر عکس. بین این دو دیدگاه سرگردان بودن مشکل کار من بود و موقعی این مسأله حل شد که تصمیم گرفتم یک چشم سوم برگزینم و به قول گادامر یک جور فاصله گرایی.»(۳)

لحظه های کاغذی

با این همه آنچه پس از بررسی این کتاب نصیب خواننده می شود، این موضوع است که امین پور در این کتاب قصد نداشته تا تاریخ معاصر ادبیات را به رشته تحریر درآورد. چه، کار این کتاب به جای اینکه تاریخ ادبیات باشد، این است که سنت و نوآوری را با توجه به تفکیک تعاریف سنت به معنای دینی و ادبی، به شکل دو عرصه لازم و ملزوم نگاه می کند.

او در این کتاب از نظریه پردازی پرهیز کرده و به بررسی مکاتب مختلف پرداخته است.

اهمیت این کتاب به زعم کسانی چون ضیاء موحد در آن است که بعد از حافظ تماماً نقد شعر ما تقلید و چسبیدن به قالبهای آهنین تا دوره مشروطه است و کتابهای شعر ما از اول تا زمان حاضر تماماً تکرار و امر به تقلیدات واینکه مبادا پایتان را از سنت بیرون بگذارید.

موحد متذکر می شود: اگر کسی عظمت نیما را با این کتاب نفهمد و متوجه نشود که جای این آدم در تاریخ شعر ما کجاست، در جای دیگری نمی فهمد. من واقعاً بی طرفانه می گویم که با این کتاب حق نیما ادا شده است.(۴)

گرچه این کتاب در سال ۱۳۷۲ آماده به چاپ بود اما به اقتضای اینگونه پژوهشهای دانشگاهی دامنه موضوع معین و محدود بود و تبدیل آن به کتاب نیازمند گسترش و پرورش یا پردازش بیشتر بود. پس قیصر امین پور به امید ادامه پژوهش و کشاندن دامنه سخن تا شعر امروز و شاخه های گونه گونش، در چاپ آن تا سال ۱۳۸۳ دریغ کرد. با این همه خودش می گوید: دریغا که در این درنگ ۵ ساله، از بسیاری کار و گرفتاری و بیماری و دیگر پیشامدهای ناگوار روزگار، حتی فرصت و فراغت بازنگری در آن را نداشته ام چه رسد به بازنگاری.

آثار قیصر امین پور در محافل و جشنواره های ادبی همواره مطرح بوده و هستند. چنانکه او در سال ۱۳۶۸ توانست تندیس مرغ آمین را از جایزه ویژه نیما دریافت کند و دو کتابش با نام های «ظهر روز دهم» و «به قولی پرستو» در همان سالهای نشریعنی در سال های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ جایزه جشنواره کتاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان را از آن خود کرد.

قیصر امین پور همچنین جایزه تندیس ماه طلایی را که به برگزیدگان شعر کودک و نوجوان ۲۰ ساله اخیر تقدیم شده است، به دست آورده است.

درباره کتاب معروف او «سنت و نو آوری در شعر معاصر» برخی از اهالی شعر و ادب معتقدند که او درباره شاملو کمی بی عنایتی کرده و به حرفهای اخوان بیشتر پرداخته که شاید مأخذ لازم را در اختیار نداشته و درباره بعضی ها هم مثل خانلری و توللی، گزینش غیر لازم صورت گرفته است.

با این همه بسیاری از کارشناسان مثل محمود فتوحی معتقدند که این کتاب امین پور در نوع خودش اولین پژوهش جدی دانشگاهی است که به مسأله سنت و تجدد پرداخته است. او درباره این کتاب می گوید: «بررسی کتاب را می توان از سه نظر تاریخ ادبی، مدرنیزم و توهم مدرنیزم و جامعه شناسی ساختگرای تکوینی مورد بررسی قرار داد و به نظر من از فصل نهم تا پانزدهم کتاب ماهیتاً نگرش تاریخ ادبی دارد؛ اما شاهد آن سنت تاریخ نویسی که خلایی ۸۰ ساله محسوب می شود، نیستیم و در این کتاب تا حدی جبران شده است. در حقیقت بخش های مغفول تاریخ ادبیات مورد توجه قرار گرفته است؛ مثلاً تقی رفعت، محمد مقدم و تندرکیا مورد توجه هستند؛ اما مثلاً پروین اعتصامی در این کتاب نمی تواند جایگاهی داشته باشد.»(۵)

چنانچه پیش از این آمد امین پور محصول تلاش فکری سالهای ۵۷ و نسل دوم انقلاب است. او که در سال ۱۳۵۷ زادگاهش را برای تحصیل در رشته دامپزشکی در دانشگاه تهران ترک کرده بود و پس از مدتی از این رشته انصراف داده بود و به رشته علوم اجتماعی نقل مکان کرده بود و باز هم این رشته را پس زد و در رشته موردعلاقه اش ادبیات سر انجام گرفته بود، در همان سالها در شکل گیری حلقه هنری و اندیشه اسلامی در حوزه هنری با افرادی چون سید حسن حسینی، سلمان هراتی، محسن مخملباف، حسام الدین سراج، محمدعلی محمدی، یوسفعلی میر شکاک، حسین خسروجردی و ... همکاری داشت. گروهی که بنیانگذاران جوان حوزه هنری نام گرفتند و بعد ترها چهره هایی چون سهیل محمودی، ساعد باقری، عبدالملکیان، کاکایی و فاطمه راکعی و علیرضا قزوه نیز به آنان پیوستند. البته هشت سال بعد یعنی در سال ۱۳۶۶ او به همراه بسیاری از هم دوره ای هایش، از حوزه هنری خارج شد و ۲ سال بعد به کمک دوستانش دفتر شعر جوان را راه اندازی کرد.

امین پور در دهه های دوم و سوم زندگی اش شاعری انقلابی و جنگ زده می نماید و شعرهای دوران جنگش از نوادر ادبیات جنگ و پایداری آن سالهاست. اوخودش در پاسخ به این سؤال که «قضاوت شما در مورد شعر دفاع مقدس از ابتدا تا کنون چیست؟» می گوید: قضاوت به ویژه برای ادبیات و هنر دوره های خاص، بسیار دشوار است. منظور از دوره های خاص دوره هایی مانند مشروطیت، انقلاب، جنگ و دفاع مقدس است که انگار شعر و ادبیات در این دوره ها وظیفه، کار کرد و رسالت و در نتیجه گویی تعریف دیگری پیدا می کند. بنابراین اگر بخواهیم با همان معیارهای آرمانی و همیشگی دوره های دیگر به سراغ این دوره ها برویم چه بسا که دست خالی بر گردیم و گمان کنیم که خبری از هنر و ادبیات نبوده است. در حالی که در بررسی چنین دوره هایی بهتر است که به جای نقد ایده آل به نقد رئال بیشتر بپردازیم. یعنی واقعگرایانه تر نگاه کنیم نه صرفاً آرمانی و ایده آل.

امین پور که تجربه تدریس و مقطع راهنمایی را در فاصله سال های ۶۰ تا ۶۲ در کارنامه خود دارد، از سال ۶۷ نیز به تدریس در دانشگاه الزهرا پرداخت، اما شروع تدریس او در دانشگاه تهران به سال ۱۳۷۰ بر می گردد که همچنان ادامه دارد.

فعالیت های قیصر امین پور سال گذشته از فعالیت های مطبوعاتی اش فاصله گرفت و از مهرماه سال گذشته نیز به همراه کامران فانی، حسن انوری، محمد علی موحد، یدالله ثمر، سلیم نیساری و هوشنگ مرادی کرمانی، به عضویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی در آمد.

قیصر امین پور و اشعارش هر چه که باشند، نمونه کامل زبان نسل دوم انقلاب است. نسلی که از آرمان گرایی رفته رفته به واقع گرایی رخ پوشانده و همین واقع گرایی موجب نوشدن افکار و آرای آنها را داشته است. شاید به همین خاطر باشد که اشعار دهه آخر عمر امین پوربیش از پیش مورد استقبال و اشتیاق نسل سوم انقلاب قرار گرفته است و آنها در کتابخانه های خود لااقل یکی از دیوانهای او را در کتابخانه خود به غنیمت برده اند. بهتر است مهرگان امروز را با یکی از اشعار امین پور به پایان و از خواندنش لذت ببریم:

سراپا اگر زرد وپژمرده ایم
ولی دل به پاییز نسپرده ایم
چوگلدان خالی لب پنجره
پر از خاطرات ترک خورده ایم
دلی سربلند و سری سر به زیر
از این دست عمری به سر برده ایم

پی نوشتها:

۱ - یکصدو پنجاه و سومین نشست کتاب ماه و ادبیات ۸۳/۱۰/۱۵
۲ و ۳ و ۴ و ۵ - همان

توضیح و تصحیح

روز یکشنبه ۱۷ مهرماه در صفحه مهرگان، مطلبی درباره علی اصغر دادبه، به چاپ رسید. در این مقاله به غلط دو کتاب «سرود آرزو» و «مکتب رندی» به عنوان آثار ادبی آقای دادبه معرفی شده است. لازم به ذکر است این دو کتاب از آثار روانشاد دکتر فخرالدین مزارعی است که اولی مجموعه شعر این مرحوم و دومی تز دکتری ایشان به زبان انگلیسی بوده است. دکتر دادبه تنها مقدمه «سرود آرزو» را نگاشته اند و بر ترجمه و چاپ «مکتب رندی» نظارت کرده اند.